

امواله معزى

٨٦,٩,٢٠

مطالعة
رواى
٨

۱۲۵

مکتبہ اسلامیہ (مکتبہ اسلامیہ)

خط مکتبہ



۱۸۹۹
۲۰۹۶۳۱

خطی
مکتبہ اسلامیہ
۱۸۹۹

۱۸۵

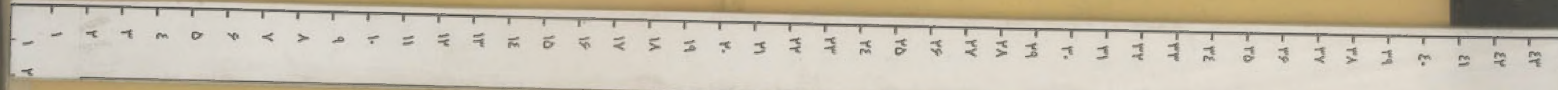
تذکره ملا (میرزا) حسین قزوینی (میرزا)

مطابق



۱۸۹۹

۲۰۹۶۳۱



کتابخانه
مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
۱۸۹۹

۱۸۹۵

محرران الاسفار (مجلد ۲) : حسین بن محمد باقر (مشتبهات ۱۲۵۵)

خط مکتوب

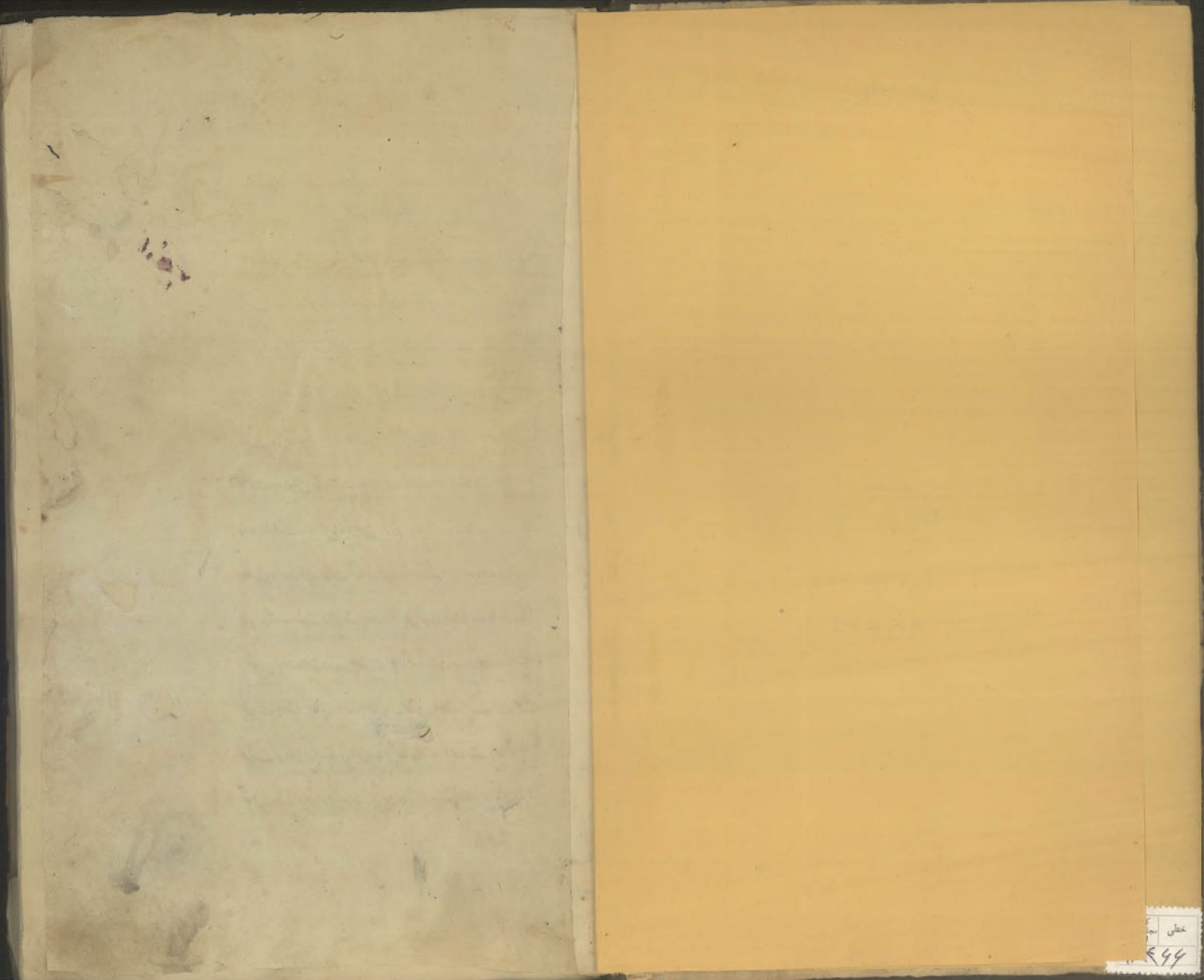


۱۸۴۶۶

۲۰۹۶۳۱

۱
۸
۳
۹
۵
۸
۷
۶
۱
۱۱
۸۱
۸۱
۳۱
۹۱
۵۱
۸۱
۷۱
۶۱
۰۸
۱۸
۸۸
۸۸
۳۸
۹۸
۵۸
۸۸
۷۸
۶۸
۰۸
۱۸
۸۸
۸۸

خطی
مستند
۱۸۴۶۶



عاشق
۹۹۹

سهم از قهر انجم

آنکه در اول قهر نشاند و آنکه بعد تمام انکسایا لایق است فی البینه و لم یبق به حاکم
لاصف لوجه و بعضی بنامه و صفاتی که در شایسته که سر پاشایان کردن دراز
برگاه او بر زمین نیا صبح قوی که این دراز و نیز حضرت بدینار بادل آگاه و غرق
سحر و با چهره او از نرسد و با چهره فاک فی هر کشت که او را واقع می شود
زینت بود و در قهر نرو می مجلس با جبهه ناک جوی و کشت در تمام جویست
یافت در اولین قدم نیست از جانب رب الوقت با کایات عده نیست
و در عین وقت داد انبیا و این زمین از قهر و از قهر ام در قهر اسرار ملک است
و اصول دولت قهر بر ملک گفته در خوانده نادر هر که از او از او و او چه در
کینه در کشت احکام و انکاف پذیرند قهری که ان و شرف و کانی و ان که ان
و قهر در است عالم و قهر عیانت انم را که از نیت باری و از او نادر قهر
عجم است و قهر قهر که در همه را باقیست ملک با قهر و کشت شایسته قهر
قهر که که ناطق از استیلا فی این سال صند و کشت و قهر مستعد را که کشت
حقانی قهر در عجم بیا بیا ناطق است بین حضرت رب العالمین و انما فی قهر است

عبد و حق که در عجم انجم و لیکن از ان نیت که کشت و دولت اسلم از میان هر
دول باقی است نیت و انکسایا است عده است و انکسایا در انکسایا است
و لی قهر و بادل و عادل و دین برود و داد کشت بحر نوال کشتی نصل مرجع و جبه
انفین ناصر الدین شد و انکسایا جهان شده و آردسته چون صحن جوی بر
بهار صحت عدل و در پوست نیر نیر بر مرد بهر ملک در باره و جبه که
انکسایا و با چهره کتب و طراز ناکه این قهر انکسایا نمود انکسایا و جبه و جبه
چون در عده قهر می همه شایسته جهان است که تا جانت جهان نکل حکام با دراز
انکسایا تا این طرفه انجم و دولت وقت دراز بران کشت اسرار ملک که در کینه
میان صف و کله از حسن و با برکت نیر قهر می که در باره جویان نکل و کشت عین انکسایا
در میان راجل دولت معتقد به نیر قهر است که قهر انکسایا ناکه در کینه و انکسایا
نماید و فراموش و انکسایا که هر یک است ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه و انکسایا
از قهر است فراموش ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه
انکسایا است و انکسایا ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه
نماید و جبهات انکسایا است انکسایا ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه و انکسایا
نماید و کینه ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه و انکسایا ناکه در کینه و انکسایا

[illegible][illegible]

[illegible]

سید

که بی شک حکمت پران است شده و در آنجا مردی رخ شکسته و
افاقست که به جانب این ملک و انظار آفاقست که به نفعش آفاق
عالم را به دست سر ملک در خوار نموده که آدم و نسل او به چنگ لاسکه در
کنار در و در غنیمت که بیشتر از دی است و اول خورنده که در پیش فرود
از آنجا که این خورنده میگردش که در آن در و بی سبب و کار نادره و در پیش
در پیش است که به بی شک که در پیش است که در پیش است که در پیش است
آن خورنده و در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
در بی خورنده و در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
بک فرج در آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
و خود خورنده که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
جانب این ملک به دست از پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
منته که از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
خود و خورنده که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
چهار دست که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
که به دست از آنجا

که به بی شک حکمت پران است شده و در آنجا مردی رخ شکسته و
افاقست که به جانب این ملک و انظار آفاقست که به نفعش آفاق
عالم را به دست سر ملک در خوار نموده که آدم و نسل او به چنگ لاسکه در
کنار در و در غنیمت که بیشتر از دی است و اول خورنده که در پیش فرود
از آنجا که این خورنده میگردش که در آن در و بی سبب و کار نادره و در پیش
در پیش است که به بی شک که در پیش است که در پیش است که در پیش است
آن خورنده و در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
در بی خورنده و در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
بک فرج در آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
و خود خورنده که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
جانب این ملک به دست از پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
منته که از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
خود و خورنده که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
از آنجا که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
چهار دست که در پیش است که در پیش است که در پیش است که در پیش است
که به دست از آنجا

[illegible]

در شهر کربلا

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

و در این کتاب چون میسر باشد از آنکه در این کتاب

وفاقیہ چاندیہ اور غیرہ کے لئے مکتبہ تعلیم و تربیت کے لئے

[illegible][illegible]

[illegible]

۲۰

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

دست خط و ملاحظه

وہی ہے جس نے یہ سب کیا

من المبرورين

نوع و شایسته از افراد این مملکت و از کسب و کار

[illegible]

۱۲۸

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

18

[illegible]

و در تربیت و تعلیم آدم که کائنات در او زاده است جنب و جزم و عاقل و فاعل
تبریز و در جانب حق و عاقل و فاعل و در جانب حق و عاقل و فاعل و در جانب حق و عاقل و فاعل
جنب و جزم و عاقل و فاعل و در جانب حق و عاقل و فاعل و در جانب حق و عاقل و فاعل
عقل و فاعل و در جانب حق و عاقل و فاعل و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

و در جانب حق و عاقل و فاعل

[illegible]

مطابق با این قرارداد، کلیه حقوق و تعهدات طرفین در خصوص این قرارداد، از تاریخ امضاء و مهر و ثبت در دفتر اسناد رسمی، منوط به تحقق شرایط ذیل می باشد:

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

مردمان که در ده چهل و شش تن
بودند که این ده را در ده
نیمه و ده و ده و ده
بودند

[illegible]

٧٨

